

روزمانی برای مرگ

فیلمنامه آن اثر است. به نظر شما این اجحاف نیست؟

ببینید من هم مانند بسیاری از مردم در خانواده‌های بزرگ شدم که مشکلات معیشتی عدیده‌ای داشت، نمی‌دانم تا چه حد من را می‌شناسید اما به جرات می‌توانم بگویم تا حالا نشده که کاری رایج به انجام برسانم و بعد از آن بگویم چر اینقدر دستمزد من پایین بود؟! یا چرا افلان بازیگر و بهمان علل فیلم از من بیشتر پول گرفتند. به عنوان یک فیلمنامه‌نویس حرفه‌ای به یقین سینما محل کسب و کار و ارتزاق من است و تمام درآمد من از سینماست اما هرگز دوست نداشتم به سینما، چنین نگاهی داشته باشم. همواره چیزهای مهم‌تری برای من مطرح بوده‌اند.

نویسنده مورد علاقه شما کیست؟

سوال خیلی سختی پرسیدید... راستش برای کسانی که مطالعات متعددی دارند، انتخاب یک نویسنده یا یک اثر به عنوان کار مورد علاقه، بسیار دشوار است. درست مثل آلبوم‌هایی از خوانندگان مطرح که بسیار سخت است که شما یک ترانه را در آن‌ها گلچین کنید. یا وجود این من داستان‌هایی را با لایه اجتماعی بیشتر می‌پسندم.

و چقدر به موفقیت فیلمنامه «کاپیتان» در اختتامیه جشنواره خوشبینید؟

بی تعارف باید اذعان کرد هر کدام از عوامل فیلم‌های مختلف که امکان دریافت سیمرغ یاورین را دارند، دست کم تا شب اختتامیه یا رویای دریافت سیمرغ می‌خوابند. من هم از این قلعه مستثنی نیستم ولی مطمئن نیستم فیلمنامه ما جایزه بگیرد اما رویای دریافت سیمرغ یاورین را دارم.

از آغاز نگارش تا پایان آن، زمینی حدود یک ماه بیشتر طول نکشید. درباره بازنویسی اثر، از آنجا که شما هم تقریباً همکار ما هستید، می‌دانید که چنین متونی (فیلمنامه‌ها) دست‌کم چندبار قلم می‌خورند. تغییرات ما البته دامنه گسترده‌ای نداشت و حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کار بازنویسی شد. من همه چیز را توضیح داده بودم و البته حین فیلمبرداری نظراتی هم به ما رسید که به ذهن خودمان خطور نکرده بود. بنابراین ۲۰ روز ملده به پایان فیلمبرداری، لوکیشن ما تغییر کرد.

دلیل تغییر لوکیشن چه بود؟

خب کار ما زمستان فیلمبرداری می‌شد و بچه‌ها نمی‌توانستند بالباس بیمارستان در فضای آزاد بازی کنند، پس تصمیم گرفتیم لوکیشن را تغییر دهیم.

کمی از داستان فیلم را نظر به اینکه فیکشن لو نرود، بزرگو می‌کنید؟

خب این کار را که واقعاً نمی‌توانم بکنم اما یک جمله درباره «کاپیتان» می‌توانم بگویم. این که فیلم تمام تلاشش را می‌کند تا بگوید حتی در سخت‌ترین شرایط و زمانی که با مرگ هم دست و پنجه نرم می‌شود، می‌توان زندگی کرد و به زندگی اندیشید.

فیلمنامه شماره دو را بگو «داستان موقعیت» است یا داستان شخصیت؟

اصلاً معتقد نیستم داستانی که می‌نویسم موقعیت است یا شخصیت! به نظر من هر دو زیرمجموعه زمانی معنا می‌یابند که کنار هم قرار بگیرند (یک یا چند شخصیت در یک یا چند موقعیت قرار می‌گیرند) «کاپیتان» فیلمی درباره امید است.

از این دست آثار با تم امید به زندگی بین بیماران لاعلاج در سینمای جهان دیده می‌شود. برای نمونه فیلم «ساداگو و هزار مرغ دریایی اش».

بله به یقین همینطور است. امید نه تنها مقوله‌ای بسیار مهم در زندگی انسان‌هاست، بلکه حتی ضامن خود زندگی هم هست. برای همین موضوع بود که ما تمرکز بسیار زیادی به «کاپیتان» معطوف کردیم. واقعاً اهمیت امید در این داستان بیش از پیش نمایان می‌شود. شما با گر و هی از کودکان سرطانی روبرو هستید که ممکن است یکی از آن‌ها یک شب بخوابد و صبح فردا بیدار نشود. کلفت‌هایی که به ما می‌رسید، برای ادامه بهینه کار مجابمان می‌کرد.

در این فیلم نقیبی به فوتبال زدید. شما خودتان اهل فوتبال هستید؟

البته که هستیم! من هم مثل شما ایرلی ام و ما اغلب فوتبال و کشتی را دنبال می‌کنیم. البته بگذارید چیزی را تشریح کنیم. آن تصویری که شما از فوتبال دارید در این فیلم به چشم نمی‌خورد.

اماصبر کنید! من مطمئنم که سکانس فوتبال بازی کردن هم در فیلم «کاپیتان» گنجانده شده! اینطور نیست؟

بله وجود دارد. حرف من این نبود. بله بازی فوتبال در این فیلم لحاظ شده اما این بازی با توجه به توانایی بچه‌های سرطانی انجام می‌شود. آن‌ها توان بازی فیزیکی فوتبال را ندارند. امیدوارم منظورمان را رسیده باشم.

بسیار خوب. خارج از بحث فیلم «کاپیتان» به نظر فیلمنامه‌نویس‌ها در عالم سینما، قشر مظلومی اند. این موضوع را قبول دارید؟

خب از چه نظر ما مظلومیم؟! منظورم این است که آن‌ها پایین‌تر دستمزد را می‌گیرند در حالی که سال‌ها در یک فیلم بی‌گمان

فیلم تان با توضیحاتی که دادید در زائر کودک قرار دارد؟

فیلم اجتماعی و درباره کودکان است که حضور پررنگ دارند. در اکران‌هایی که تاکنون داشتیم بچه‌ها از تماشای فیلم لذت بردند و حال و هوای فیلم برای شان جذاب است و بزرگسالان هم از تماشای فیلم حس لازم را می‌گیرند.

فکر می‌کنید «کاپیتان» چه فاکتورهایی داشت که برای حضور در جشنواره انتخاب شد؟

هیچ ماست‌بندی نمی‌گویم ماست من ترش است اما منصفانه بگویم دوستانی که فیلم را دیده‌اند می‌گویند نمی‌شود بازی همه بازیگران را نادیده گرفت. معتقدم محمد حمزه‌ای و نویسنده خیلی برای فیلم زحمت کشیدند. اگر بخواهیم نام ببرم تأکیدم را می‌گذارم روی ابتدا نویسنده‌گی و بعد بازی‌ها و کارگردانی. هم چنین گرمور خوب کار که لازم به توضیح نیست چقدر به زیبایی فیلم اضافه کرده است یا آهنگساز فیلم که همگی نقاط قوت «کاپیتان» را تشکیل می‌دهند.

با این توضیحات فیلم تان چقدر شانس نامزد شدن با دریافت سیمرغ را در جشنواره چهل و یکم دارد؟

معتقدم اگر لسان جشنواره جایزه هر دمی می‌داشت «کاپیتان» یکی از گزینه‌های جدی جایزه در این بخش بود چون موضوع فضای فیلم مخاطب را با خود همراه می‌کند و باعث می‌شود به فیلم رغبت زیادی پیدا کند. درباره داوری در جشنواره‌ها معتقدم قضاوت‌ها منصفانه‌ست و به بهترین شکل اتفاق می‌افتد. درباره جوایز نمی‌توانم اظهار نظر کنم اما درباره کاندیدا شدن می‌توانم بگویم که فیلم‌مان می‌تواند در چندین بخش کاندیدا شود.

نظر تان درباره تحریم کنندگان و موافقان و مخالفان جشنواره چیست؟

من به اندازه بضاعت فیلم خودم می‌گویم؛ چیزی حدود ۲۰۰ نفر غیر از هنرورها و بچه‌هایی که در لایه‌های بعدی بودند حضور فنی و تخصصی در این پروژه داشتند. شما ۲۴ فیلم را ضربدر تعداد عواملی که در ساخت فیلم‌ها دخیل بودند بکنید، پاسخ این است که حدود ۵ هزار نفر از اهالی سینما درگیر جشنواره فیلم فجر حضور دارند. یعنی در فرایند شکل‌گیری فیلم‌های جشنواره این تعداد به شکل‌های مختلف حضور داشتند. می‌خواهیم بپرسیم آیا با حضور این تعداد آدم جشنواره تحریم شده‌ست؟ حال یک قسمت دوم وجود دارد که بعضی دوستان معتقدند در فضای کنونی جامعه شاید بهتر باشد کمتر به جشنواره توجه کنند که معتقدم رفتار حرفه‌ای اندکی با این موضوع تلقض دارد. رفتار حرفه‌ای می‌گوید که ما در قبال کار و شغل مان مسئولیم و درباره موضوعات اجتماع هم همین‌طور و این دو منافی هم نیستند ولی کار حرفه‌ای را باید به بهترین شکل انجام دهیم و اگر هم به مسائل اجتماعی نکاتی داریم به آن هم بپردازیم. جنس تحریم کردن آن‌ها به نوعی که خواهیم چیزی که مربوط به همه هست نادیده گرفته شود، به نظر من لندکی جنسش هیچلی است و این روزهایی گذرد.

امیر محمد عبدی:

در هر شرایطی می‌توان به زندگی اندیشید
 شمارا پیش‌تر با «لاک فرمز» و «گمچی» می‌شناختیم. چه شد که نویسنده‌گی فیلمنامه «کاپیتان» را پذیرفتید؟
 راستش زمانی که از من برای همکاری با گروه تولید این فیلم دعوت شد، قرار بود فیلمنامه‌ای را که آماده شده بود، قبل از آغاز پیش‌تولید بازنویسی کنیم اما روال کار من این نبود. من به کارگردان و تهیه‌کننده گفتم فیلمنامه را کنار می‌گذارم و از اول با ذهنیت و قلم خودم آن را می‌نویسم. خوشبختانه هم عوامل تولید فیلم، هم بنیاد سینمایی فارابی به من اعتماد کردند تا کار را آغاز کنم.

چه زمانی صرف نوشتن فیلمنامه شد و چندبار آن را بازنویسی کردید؟

